

تاریخ تحولات نظام آموزشی نوین در ایران

به کوشش رحیم روح بخش و فریده حشمتی



بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ تحولات نظام آموزشی نوین در ایران

مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس
دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۶ دی ماه ۱۳۹۷

به کوشش:
رحیم روح بخش و فریده حشمتی

برگزارکنندگان همایش:
انجمن ایرانی تاریخ و دانشگاه سیستان و بلوچستان (گروه تاریخ)

حامیان همایش:
اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه ولایت،
دانشگاه زابل، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور، اداره اسناد و کتابخانه ملی،
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، غیرانتفاعی فرهیختگان دانش

دبیر علمی همایش: دکتر مسعود مرادی
دبیر اجرایی همایش: دکتر علی نادریان فر



انستدات کتابستان انیرش

تهران ۱۴۰۰

سرشناسه: همایش آموزش تاریخ در مدارس (پنجمین: ۱۳۹۷: زاهدان)
 عنوان و نام پدیدآور: تاریخ تحولات نظام آموزشی نوین در ایران: مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۶ دی ماه ۱۳۹۷/ به کوشش رحیم روح بخش، فریده حشمتی؛ دبیر علمی مسعود مرادی؛ دبیر اجرایی علی نادریان فر؛ برگزارکنندگان همایش انجمن ایرانی تاریخ و دانشگاه سیستان و بلوچستان (گروه تاریخ)؛ حامیان همایش اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان... [و دیگران].
 مشخصات نشر: تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۶۶۷-۸۷-۲-۶۶۰۷-۶۲۲-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیا.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۰۷-۸۷-۲-۶۶۰۷-۶۲۲-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیا.
 عنوان دیگر: مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۶ دی ماه ۱۳۹۷. موضوع: تاریخ -- راهنمای آموزشی (متوسطه) -- کنگره ها.
 -- Study and teaching (Secondary) -- CongressesHistory
 شناسه افزوده: روح بخش، رحیم، ۱۳۴۵-، گردآورنده. حشمتی، فریده، ۱۳۴۷-، گردآورنده.
 انجمن ایرانی تاریخ. دانشگاه سیستان و بلوچستان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه تاریخ.
 ایران. وزارت آموزش و پرورش. اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان.
 رده دیوئی: ۹۰۷. رده بندی کنگره D۲/۱۶ شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۵۷۶۰۷

تاریخ تحولات نظام آموزشی نوین در ایران

به کوشش: رحیم روح بخش، فریده حشمتی

ویراستاران: فریده حشمتی، کیما حشمتی

ناشر: نگارستان اندیشه

نمونه خوان: مهرداد فردیار

طراح جلد: سعید صحابی

صفحه آرایی: سفیر اردهال

نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۳۰ نسخه

چاپ و صحافی: صادق

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - ۶۶۴۶۵۴۱۶

www.cins.ir - info@cins.ir

شورای برنامه‌ریزی و کمیته‌های علمی و اجرایی
پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس

شورای برنامه‌ریزی همایش در تهران (کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی
تاریخ):

- دبیر کارگروه: فریده حشمتی

- آهنگری، فاطمه

- اروجلو، فاطمه

- روح‌بخش، رحیم

- شعبان‌زاده، بهمن

- صالحی‌نیا، پروانه

- فاضلی‌پور، طوبی

- میرآخورلو، نسرين

کمیته علمی:

- دکتر عبدالرسول خیراندیش، استاد دانشگاه شیراز

- دکتر ابوالقاسم فروزانی، استاد دانشگاه شیراز

- دکتر شهرام یوسفی‌فر، استاد گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی

- دکتر فاطمه جان احمدی، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر علیمحمد ولوی، استاد دانشگاه الزهرا

- دکتر نیره دلیر، استاد گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی

- دکتر علی ناظمیان‌فر، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

- دکتر مسعود مرادی، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

- دکتر مهدی صلاح، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

- دکتر عظیم شه بخش، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر کوروش صالحی، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر مریم شیپری، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر فاطمه رستمی، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر علیرضا سلیمانزاده، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر جواد چوپانیان، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر محسن مرسلپور، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر محمد پیری، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر احمد عقلی، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - دکتر علی نادریان‌فر، سرگروه درس تاریخ استان، مدرس دانشگاه فرهنگیان
 - دکتر عباس اویسی، استادیار دانشگاه پیام نور
 - دکتر منصور نیک پناه، استادیار و مدیر امور پردیس های دانشگاه فرهنگیان سیستان و بلوچستان
 - دکتر علیرضا سعیدی مهر، معاون پژوهشی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان
 - قاسم سیاسر، رئیس اداره اسناد و کتابخانه ملی استان سیستان و بلوچستان
 - دکتر عبدالودود سپاهی، استادیار دانشگاه ولایت ایرانشهر
 - دکتر عبدالله صفرزایی، استادیار دانشگاه ولایت ایرانشهر
 - دکتر نصرت خاتون علوی، استادیار دانشگاه ولایت ایرانشهر
 - دکتر سنجولی استادیار، دانشگاه زابل
 - دکتر طوبی فاضلی‌پور، عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی تاریخ
- کمیته اجرائی:**
- دکتر علی نادریان‌فر، دبیر اجرائی، سرگروه درس تاریخ اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان

- قاسم سیاسر، رئیس اداره اسناد و کتابخانه ملی استان سیستان و بلوچستان، پژوهشگر
- دکتر علیرضا سعیدی مهر، معاون پژوهشی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان
- دکتر عباس سرگزی، مدیر دبیرستان شاهد زاهدان، مدرس دانشگاه فرهنگیان
- دکتر سارا سرحدی، دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ زاهدان، عضو گروه تاریخ سیستان و بلوچستان
- فرزانه تازرونی، دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۱ زاهدان، عضو گروه تاریخ سیستان و بلوچستان
- ابراهیم پهلوان، رئیس اداره تکنولوژی و گروه‌های آموزشی اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان
- محمدرضا نکودری، مدرس دانشگاه فرهنگیان
- مرتضی لشکری، هنرآموز هنرستان و مدرس دانشکده شهید باهنر
- مریم عابدی، کارشناس ارشد تاریخ عمومی جهان
- یاسر جوانی، کارشناس ارشد تاریخ عمومی جهان
- اسماعیل دهانی، کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی
- اسما قوم دوست نوری، کارشناس ارشد تاریخ اسلام
- زینب عیدوزایی، کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی
- ثریا ریگی، کارشناس ارشد تاریخ اسلام، کارشناس پژوهشکده علوم باستان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- اسماء شه بخش، کارشناس تاریخ
- رضا ایزدی همت آبادی، کارشناس تاریخ
- اسماء ملازهی، کارشناس پژوهش استانی دانشگاه فرهنگیان سیستان و بلوچستان
- مهدی اربابی مقدم، کارشناس ارشد تاریخ، مدرس دانشگاه فرهنگیان
- رحیم روح‌بخش، کارشناس ارشد، مسئول مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه انجمن ایرانی تاریخ.....
۱۳.....	مقدمه دبیران همایش.....
	متن سخنرانی آقای دکتر عبدالرسول خیراندیش در مراسم افتتاحیه همایش: رویکرد تاریخی به شهر برای
۲۱.....	کتاب‌های درسی تاریخ.....

الف) مقالات محور عام (به ترتیب سیر تاریخی):

۱. آموزش در دوره گذار ناصری: بررسی تأثیر مدارس میسیونری و حضور معلمان خارجی در شکل‌گیری	
مدارس جدید و نظام آموزشی نوین / مهدی شادکام.....	۳۷.....
۲. نقد و بررسی سیستم آموزش مکتب‌خانه‌ای در ایران دوره قاجار / گلناز سعیدی، فاطمه آقاخانی.....	۸۹.....
۳. تاریخچه نهضت مدارس نوین در ایران / محبوبه غیور بلورفروشان، نرگس خازنی، مهدی رفیعی.....	۱۰۹.....
۴. نگاهی به آموزش نوین دختران در عصر قاجار / اعظم کلاتر.....	۱۲۹.....
۵. واکاوی ریشه‌های عقب‌ماندگی آموزشی زنان در دوره قاجار / گلناز سعیدی، فاطمه آقاخانی.....	۱۴۹.....
۶. نقش میرزا علی خان امین‌الدوله در توسعه آموزش و پرورش ایران / نادیا رم.....	۱۶۷.....
۷. معرفی سندی نویافته از آرشیو قوه قضاییه در خصوص میرزا حسن رشیدیه، پدر آموزش نوین ایران /	
حسین سلیمی.....	۱۷۷.....
۸. چند سند قضائی درباره مدرسه خاندانقلی بیک کرمان / زهرا فریدی.....	۱۹۹.....
۹. مدرسه خیریه ایتم به روایت اسناد قضائی / فاطمه نوبخت.....	۲۲۷.....
۱۰. درس تاریخ در «دستور تعلیمات مدارس متوسطه» مصوب سال ۱۳۳۲ق / ۱۲۹۲ش / مهرداد فردیار.....	۲۵۱.....
۱۱. بررسی تاریخچه دبیرستان البرز به روایت اسناد / معصومه عظیمیان، رضا بیگدلو.....	۲۷۹.....
۱۲. ضرورت و چالش‌های آموزش نوین دختران از نگاه نشریات زنان در سال‌های ۱۲۹۹ - ۱۳۲۰ش /	
سهیلا ترابی فارسانی، زرین شریفیان‌پور.....	۳۲۳.....
۱۳. تبلور گوشه‌هایی از تاریخ مدرسه سپهسالار در بستر اسناد قضایی با مطالعه موردی سند دعوی	
مالی میان متصدیان مدرسه در دوره پهلوی اول / شهناز چراغ.....	۳۴۳.....
۱۴. نگاهی به تحولات آموزش و پرورش در دوره پهلوی اول / یاسر ملازنی.....	۳۶۳.....
۱۵. نقش سالنامه‌های مدارس در تدوین تاریخ آموزش و پرورش / رحیم روح‌بخش.....	۳۹۳.....

۱۶. فعالیت صنفی معلمان تهران در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق (۱۳۳۰ - ۱۳۳۲) / محمد مهدی موسی‌خان..... ۴۲۷
۱۷. بررسی سیر تحول و تاریخچه تشکیل مدارس نوین در ایران از دارالفنون تا مدرسه مبارکه بختیاری / قاسم فتاحی، مهناز حسینی..... ۴۴۹
۱۸. سیر تحولات آموزش و پرورش نوین در استان خوزستان (از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی) / محمد امیری..... ۴۸۷

(ب) مقالات محور خاص: (آموزش نوین در سیستان و بلوچستان)

۱۹. جایگاه و اهمیت تاریخ سیستان و بلوچستان در آموزش تاریخ مدارس کشور (با تکیه بر تعیین حدود مرزی ایران در بلوچستان) / عبدالودود سپاهی..... ۵۱۷
۲۰. نقش نظامیان در توسعه آموزش و پرورش جدید در سیستان و بلوچستان / قاسم سیاسر..... ۵۴۳
۲۱. آموزش و پرورش نوین در سیستان: از شکل‌گیری تا پایان دوره پهلوی اول / عباس اویسی..... ۵۶۵
۲۲. سیاست‌های حکومت پهلوی اول در فرایند حفظ بهداشت و سلامتی دانش‌آموزان دارالتربیه‌های عشایری مطالعه موردی دارالتربیه‌های سیستان / الهام ملک‌زاده..... ۵۹۳
۲۳. اهمیت جایگاه معلمان تاریخ در غبارزدایی از تاریخ محلی بلوچستان / ابوالفضل حسن‌آبادی..... ۶۱۳
۲۴. نقش شعرسرایی در نقل وقایع تاریخی بلوچ‌ها / عبدالله صفرزایی..... ۶۳۱
۲۵. نقش و جایگاه قوم و زبان بلوچ در تاریخ ایران / عبدالرضا کریمی، علیرضا کریمی مسکونی، سناناز عارفی مسکونی..... ۶۵۷

مقدمه انجمن ایرانی تاریخ

از جمله مقوله‌های بسیار مهم جوامع بشری که همواره در حیات درازنای انسان، عجین با فکر و اندیشه و عمل بزرگان اعم از پیامبران، اندیشمندان، سیاستمداران، حکمرانان و سایر اقشار مختلف مردم بوده، مقوله تاریخ و پدیده‌های تاریخی است. هرچند در گذشته‌های خیلی دور جنبه نظری و تئوری تاریخ به مفهوم امروزی مد نظر نبوده؛ اما بدون تردید جنبه علمی و کاربردی آن همواره مورد توجه جدی اهل نظر و عمل بوده و در شرایط و موقعیت‌های مختلف نیز مورد استفاده یا سوء استفاده قرار می‌گرفته است.

آنچه که خوشبختانه در طی قرون اخیر، در حوزه مقولات تاریخ اتفاق افتاد گشوده شدن افق‌های تازه و رویکردهای جدید و مهم‌تر بود که ابتداء، در غرب (بعد از رنسانس) و سپس در مناطق دیگر به‌ویژه در ایران معاصر، مطرح گردید. مقوله «آموزش تاریخ» به مفهوم کلی و نیز ضرورت‌های آموزش تاریخ، کم و کیف آن، متدهای لازم، ویژگی‌های تعلیم‌دهندگان تاریخ و امثالهم از آن جمله به حساب می‌آیند.

در نظام آموزشی نوین ایران، تاریخ از اولین واحدهای درسی دانش‌آموزان بود، که در آغاز با داستان‌های اساطیری و آموزه‌های شاهنامه همراه شده و به تدریج با ترجمه‌های آثار مورخان اروپایی، تاریخ ایران از افسانه‌ها فاصله گرفت و به آموزه‌هایی از تاریخ ملی و جهانی روی آورد. در دوره قاجار و به هنگام تدریس تاریخ اروپا و انقلاب‌های آن در مدرسه دارالفنون، به دستور دربار قاجار تدریس آن درس ممنوع شد و به دانش‌آموزان آن مدرسه نیز توصیه شد که تاریخ نخوانند و در واقع این آغاز هشدار برای چالش تدریس تاریخ در مدارس دولتی بود.

واقعیت این است که از زمان تأسیس مدارس جدید در ایران، تنها قرائت حکومتی از تاریخ ارائه شد و بدین ترتیب دانش تاریخی در دست دولت‌های حاکم به بازگوکننده رخداد‌های صرفاً سیاسی با محوریت پادشاهان و با رویکرد ایدئولوژیک

تدریس می‌شد. با گذشت زمان و پدید آمدن مورخان مستقل، رویکردهای دیگری از تاریخ در نظام آموزشی پدیدار گشت. با ظهور و بروز نهضت مشروطه، روزنه امیدي در اذهان مردم در مبحث آموزش تاریخ ایجاد شد و این مقوله به جد مورد توجه مورخان و اندیشمندان قرار گرفت؛ اما پس از چندی از مشروطه نگذشته بود، که همچنان رویکردهای حکومتی با صبغه ایدئولوژیکی از نوع باستانگرایی، ناسیونالیستی، مذهبی و ... این مقوله را تحت الشعاع قرار داده و در سیطره خود گرفت و تا به امروز نیز ادامه دارد.

همایش حاضر در صدد است تا روند این تحولات در اندیشه تاریخ‌باوری و تاریخ‌پژوهی را بررسی کرده و به اصلاح برداشت‌ها و باورهای تاریخی کمک کند. اصلاح روش‌های آموزشی و تهیه متون درسی مناسب و وجود معلم درد آشنای تاریخ می‌تواند به جذابیت درس تاریخ در مدارس و رشته تاریخ در دانشگاه منجر شود. در این راستا سلسله همایش‌های «آموزش تاریخ» به بررسی نقادانه محتوای دروس تاریخ، جایگاه آموزشی معلم تاریخ و تاریخ آموزش و پرورش معاصر پرداخته است. دست‌اندرکاران این همایش‌ها به ایده کلیدی «یان میک»، محقق برجسته حوزه «پژوهش و نگارش کتاب درسی» با عنوان «کتاب‌های درسی، آینده یک ملت»، اعتقاد دارند که «کتاب درسی بد، برای تمام اعضای یک ملت می‌تواند فاجعه‌بار شوند».

دکتر ذکرا الله محمدی

رئیس هیئت مدیره انجمن ایرانی تاریخ

آذر ۱۳۹۹

مقدمه دبیران همایش

طی قرن ۱۹ میلادی، هم‌زمان با تحولات سریع در تجارت، صنعت و وسایل ارتباطی اروپا و نفوذ استعماری دولت‌های بزرگ اروپایی در مشرق زمین، ایران نیز دستخوش تحولات اجتماعی وسیعی گردید. از جمله این تغییرات، تغییر در نظام آموزش و پرورش بود که تا آن زمان، دولت‌ها در آن دخالت چندانی نداشتند. ایران عصر قاجار، با جهانی مواجه بود، که از فضای اجتماعی و سیاسی او فاصله زیادی داشت. روشنفکران این عصر، به ضرورت تغییر در جامعه خویش پی برده بودند. تبادل هیئت‌های سیاسی، اعزام محصل به خارج از کشور، ورود هیئت‌های مذهبی و تأسیس مدارس میسیونری، انتشار روزنامه و ترجمه کتاب، لزوم اصلاح و تغییر فضای آموزشی و فرهنگی جامعه ایران را غیرقابل اجتناب کرده بود. لذا دولت مردان ایران، تحت‌تأثیر روند تحولات علمی در غرب، درصدد کسب علوم جدید برآمدند. آنها در ابتدا دانشجویانی را به قاره اروپا اعزام کرده و با تأسیس مدرسه دارالفنون، اقداماتی اساسی را در این زمینه انجام دادند. تلاش‌های بعدی برای ایجاد مدارس نوین در کشور، توسط میرزا حسن رشیدیه انجام گرفت، که برخلاف دارالفنون بر آموزش و سوادآموزی به کودکان تأکید داشت. هم‌زمان تأسیس ده‌ها مدرسه ملی توسط رجال معارف‌پرور در قبل و بعد از مشروطه، نهضت مدرسه‌سازی در کشور را دامن زد. این رویکرد با مصوبات چندگانه مجالس نخست شورای ملی جهت تأسیس وزارت معارف، تصویب قانون اساسی معارف، تشکیل شورای عالی معارف و ... به‌رغم برخی محدودیت‌ها به گسترش مدارس در اقصی نقاط کشور منجر شد.

با توسعه مدارس، تولید محتوا برای دروس آموزشی مورد توجه قرار گرفت. این اقدام در خصوص کتاب‌های علوم انسانی مدارس اهمیتی مضاعف داشت؛ زیرا معمولاً کتاب‌های درسی به‌طور عام و کتاب‌های علوم انسانی به‌طور خاص، بازنمایی جهت‌گیری ایدئولوژیک نظام سیاسی را نشان می‌دهد. هرچند در خلال نهضت

مدرسه‌سازی به‌خصوص یکی دو دهه بعد از انقلاب مشروطه، سایه این رویکرد کم‌رنگ بود؛ اما با تأسیس شورای عالی معارف از سال ۱۳۰۱، که یکی از مأموریت‌های آن تدوین و تصویب برنامه درسی بود، این سیطره پررنگ شد. این شورا با تصویب دهها پروگرام، دستور تحصیلات، برنامه تحصیلات، نظامنامه، اساسنامه، آئین‌نامه و ... برای مدارس و دانشسراها در تحکیم سیطره ایدئولوژی حاکم بر نظام آموزشی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. به طوری که در جریان تصویب یکی از این مصوبات با عنوان «دستور تفصیلی دارالمعلمین آکابر شبانه» نکات هشدارآمیزی توسط ذکاءالملک فروغی، عضو دانشمند وقت شورای عالی معارف، راجع به روش و فلسفه آموزش تاریخ بیان شده، که می‌تواند تلطیفی از این رویکرد در حوزه درس و معلم تاریخ به عنوان آویزه گوش سیاست‌گذاران باشد:

«در تدریس تاریخ معلم باید رعایت بی‌طرفی را کاملاً نسبت به خودی و بیگانه بنماید و فقط حقایق را بیان کرده و احساسات شخصی را در ذکر حوادث مداخله ندهد. برای قضاوت افکار و احساسات مردم هر عصر باید وقایع اشخاص را از روزنه چشم مردم همان عصر ببیند. در موقع تدریس باید از شرح و بسط زیاد احتراز کرده و فقط به ذکر وقایع اکتفا نمود. در ضمن بیان واقعیات تاریخی باید مدگل داشت چه پیش‌آمدها، باعث ترقی و تعالی یک مملکت و یک قومی گردیده و چه معایبی موجب انحطاط و تنزل شده است؟ به تاریخ تمدن توجه خاص باید داشت و جنگ‌ها را باید به‌طور مختصر بیان کرد. در ضمن درس، نقشه‌های تاریخی به کار برد. حتی‌المقدور آثار ملی را ارائه داد. اهمیت تصاویر و نقشجات را در تدریس تاریخ بیان کرده و مدگل دارند که در مدارس ابتدایی مخصوصاً تدریس تاریخ با تصاویر بیشتر مورد دقت و فهم محصلین واقع می‌شود. در هر موقع که اقتضاء کند، معلم باید اصول اخلاقی را از درس تاریخ استخراج کرده و به محصلین بفهماند که تاریخ بی‌غرض‌ترین و دائمی‌ترین قاضی اعمال بشر است و بواسطه تغییر اوضاع حکومتها و انقلابات تدریجی عالم است، که

نوع بشر خود را از زیر فشار ظلم و ستم رقیّت خلاص نموده به طرف آزادی و مساوات و اصلاح امور اقتصادی سیر کرده و راه تکامل می‌پیماید. (جلسه ۲۶۰ شورای عالی معارف، مورخ ۱۳۱۲/۱۱/۱۸)

فروغی به عنوان یکی از نویسندگان نخستین کتاب‌های درسی تاریخ، در زمان خود، نگاهی ایده‌آل به آموزش تاریخ در کشور داشت، درج این گفتار از ایشان می‌تواند زمینه مقایسه بین اندیشه بنیانگذاران آموزش تاریخ با اندیشه و عمل مؤلفان فعلی کتاب‌های درسی تاریخ را فراهم سازد. هرچند در همان دوره نیز با تلقی ناسیونالیسم باستان‌گرایی از تاریخ ایران، این درس مورد بهره‌برداری ایدئولوژیک نظام سیاسی قرار گرفت، که در عصر پهلوی دوم نیز این رویکرد با فراز و نشیب‌هایی تداوم یافت، متقابلاً بعد از انقلاب، به‌طور افراطی بر وجه مذهبی و تاریخ اسلامی ایران بها داده شد. امروزه این بخش از تکلیف دولت در بخش آموزش را در قالب «برنامه درسی ملی» تعریف کرده‌اند. در واقع برنامه درسی ملی حلقه واسطه سیاست‌گذاری کلان هر کشور با مأموریت نظام آموزشی آن است، از این روی برنامه درسی ملی، جهت‌گیری محتوای آموزشی هر کشور را نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر برنامه درسی ملی به مجموعه‌ای هماهنگ از اهداف، مأموریت‌ها، وظائف، سرفصل‌ها، محتوای دروس و روش‌های تدریس و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی اطلاق می‌شود. براین اساس تدوین برنامه درسی ملی در سطح کلی و تبیین اهداف دوره‌ها و همچنین برنامه درسی خاص برای مقاطع، رشته‌های آموزشی و کتاب‌های درسی مختلف تحصیلی کشور بیانگر تمایلات سیاسی هر کشور است. بیراه نخواهد بود که ادعا شود، در میان دروس حوزه علوم انسانی، برنامه درسی تاریخ چراغ راهنمای جهت‌گیری ایدئولوژیک و گرایش فکری نظام حاکم را نشان می‌دهد. به‌طوری که در طی بیش از یکصد سال از آموزش رسمی تاریخ در کشور، وضعیت این درس اعم از برنامه درسی، کتاب‌های درسی، معلم تاریخ، آموزش تاریخ دائماً دچار چالش بوده است.

به منظور این آسیب‌شناسی، کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ متشکل از جمعی از معلمان تاریخ شهر تهران، از سال ۱۳۹۵ اقدام به برگزاری سلسله همایش‌های «آموزش تاریخ در مدارس» نمود. که پنج همایش آن به شرح جدول ذیل در شهرهای: تهران - دو همایش - اصفهان، کرمان و استان سیستان و بلوچستان برگزار گردید و امسال (۱۳۹۹) نیز دانشگاه رازی کرمانشاه میزبان ششمین همایش آموزش تاریخ در مدارس است. به منظور ارائه گزارشی آماری از این همایش‌ها، در جدول ذیل آمار مقالات و برخی اطلاعات مربوطه آمده است.

جدول سلسله همایش‌های آموزش تاریخ در مدارس

ردیف	عنوان همایش	مکان همایش	زمان همایش	تعداد چکیده دوربینی	تعداد مقاله دوربینی	تعداد مقاله چاپ شده	تعداد مقاله مطالعه	دیران همایش
۱	آموزش و پژوهش تاریخ در ایران (آسیب‌ها و راهکارها)	تهران، آرژانتین ملی ایران	۱۳۸۹/۶/۱۸ و ۱۹	۶۷	۵۰	-	۱۰	دکتر سیمین نصیری
۲	دومین همایش آموزش تاریخ در مدارس (اصفهان)	تهران، آرژانتین ملی ایران	۱۳۹۰/۳/۶	۹۰	۷۵	۲۵	۴۰	دکتر طوبی فاضلی‌پور رحیم روح‌بخش
۳	سومین همایش آموزش تاریخ در مدارس (اصفهان)	اصفهان، مرکز تحقیقات مطالعات اصفهان	۱۳۹۱/۴/۷	۱۲۰	۹۵	۲۱	۵۰	دکتر محمدحسین فروغی، رضوان نعمت
۴	چهارمین همایش آموزش تاریخ در مدارس (کرمان)	کرمان، دانشگاه شهید باقر کرمان	۱۳۹۲/۱۱/۵	۱۴۰	۱۰۶	۴۹ (دو دو چند)	۸۶	دکتر جمشید روستا رحیم روح‌بخش
۵	پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس (سیستان و بلوچستان)	زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان	۱۳۹۳/۱۰/۲۶	۱۲۵	۱۱۰	۴۴ (دو دو چند)	۶۳	دکتر سعید مرادی دکتر علی نادریان‌فر

به نظر می‌رسد، امروزه بازکاوی فرایند و تحول نظام آموزشی نوین در کشور به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود. کما اینکه برخی از مسئله‌های مطروحه در آستانه

۱. لازم به ذکر است که این همایش توسط انجمن ایرانی تاریخ در پنج سال قبل از تشکیل کارگروه آموزش و پرورش انجمن برگزار گردید. از آنجا که سلسله همایش‌های «آموزش تاریخ در مدارس» از نظر موضوع و محتوا با این همایش همپوشانی داشت، از آن همایش می‌توان به عنوان اولین همایش از سلسله همایش‌های آموزش تاریخ نام برد. با این توضیح که چکیده‌های آن منتشر شده؛ ولی تا کنون مجموعه مقالات برگزیده آن چاپ و انتشار نیافته است. خوشبختانه از همایش دوم به بعد مقالات منتخب آنها به زیور طبع آراسته شده است.

طرح نظام نوین آموزشی و تأسیس مدارس جدید نیز، هنوز هم به قوه خود باقی است. از این رو، بررسی کارشناسانه مواجهه جامعه آن روز ایران با مدارس نوین، می‌تواند پاسخی به برخی معضلات امروز نیز باشد. لذا در راستای همین دغدغه‌ها تصمیم گرفته شد، در سلسله «همایش‌های آموزش تاریخ در مدارس» محور تاریخ آموزش و پرورش نیز گنجانده شود، تا فرصتی فراهم گردد که پژوهشگران حوزه تاریخ آموزش و پرورش به‌خصوص معلمان تاریخ، یافته‌های پژوهشی خود را در این خصوص ارائه دهند. بر این اساس فراخوان نگارش مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس (سیستان و بلوچستان) حول دو محور عام و خاص (تاریخ محلی استان سیستان و بلوچستان) به شرح ذیل اطلاع رسانی گردید:

الف) محورهای عام

۱. محور تاریخ آموزش و پرورش کشور: در این محور، موضوعاتی نظیر: نظام آموزش سنتی و گذار از آن، نظام نوین آموزشی، بنیان مدارس جدید، نقش نهادها و انجمن‌های فرهنگی و آموزشی، نظام آموزشی در عصر قاجار و دوره پهلوی، قوانین و مقررات و محتوای آموزشی کتاب‌های درسی تاریخ مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که نقش و تأثیر نظام نوین آموزشی بنابر دلایلی، مورد غفلت تاریخ‌نگاری رسمی قرار گرفته و از سوی دیگر، این نوع تاریخ‌نگاری پیوند وثیقی با آموزش تاریخ دارد، این محور می‌تواند از زمره محورهای مهم سلسله همایش‌های آموزش تاریخ - به عنوان یک همایش مدنی - منظور گردد. بر این اساس با عنایت به اهمیت این محور تعداد ۲۴ مقاله برگزیده آن در جلد اول مجموعه مقالات همایش، انتخاب و در دستور کار چاپ و نشر قرار گرفت. مقالات منتخب این جلد تاریخ و تحولات نظام آموزشی نوین در عصر قاجار و پهلوی را دربر می‌گیرد. صرف‌نظر از نقش‌آفرینی برخی رجال معارف‌پرور نظیر امین‌الدوله، رشیدی و ... در این بخش، جایگاه تاریخی تعدادی از مدارس تأثیرگذار نظیر مدرسه سپهسالار، دبیرستان البرز، مدرسه خیریه ایتام، مدرسه

مبارکه بختیاری، مدارس نوین خوزستان و ... در این جلد، گرد آورده شده است. البته مقالاتی نیز در باره چالش آموزش دختران در مدارس (با چهار مقاله)، نقد نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ای، نهضت مدرسه‌سازی عصر مشروطه، تحولات نظام آموزشی در سلسله پهلوی به علاوه مقاله‌ای درباره فعالیت صنفی معلمان در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و بالاخره یک مقاله منبع‌شناسی تاریخ آموزش و پرورش (نقش سالنامه‌های مدارس) زینت بخش مقالات این جلد هستند.

۲. محور روش آموزش و نقش معلم تاریخ: این محور با عنایت به گسترش شیوه‌های نوین آموزشی در عرصه آموزش به خصوص تجارب موفق برخی از همکاران در تدریس تاریخ، در تمام فراخوان‌های سلسله همایش‌های آموزش تاریخ در مدارس منظور می‌شود. این محور در تگنای چالش‌های محتوای ایدئولوژیک محوری کتاب‌های درسی تاریخ به خصوص تاریخ معاصر، بی‌توجهی به تاریخ و هویت در سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش، بی‌علاقگی دانش‌آموزان به تاریخ، حذف درس تاریخ در ضرایب کنکور، رواج روش سستی (سخنرانی در کلاس) آموزش تاریخ و ... در صدد ارائه راهکارهایی به معلمان تاریخ جهت برون‌رفت از معضلات مذکور است. در این محور روش‌هایی نظیر به کارگیری روش آموزشی طرح مسئله و همچنین شیوه پرسش و استدلال مورد توجه قرار گرفته و همچنین بهره‌گیری از رسانه‌ها و رویکردهای جدید در آموزش تاریخ از جمله وسایل کمک آموزشی، رسانه‌های آموزشی، فیلم، اردو و به خصوص رویکرد همگرایانه جمعی و به ویژه بهره‌گیری از ادبیات کودک و نوجوان در آموزش تاریخ مورد بازکاوی قرار گرفته است. مقالات این محور در جلد دوم کتاب آمده است.

۳. محور تحلیل محتوای کتب درسی تاریخ: چنانکه گذشت یکی از بحران‌های اصلی آموزش تاریخ، سیطره نگاه ایدئولوژی رسمی بر کتاب‌های درسی تاریخ است. این معضل منجر به تعریف و سوگیری محتوایی کتاب‌های درسی تاریخ در خلال بیان

وقایع تاریخی و تحلیل آنها شده است. ناگفته پیداست که این رویکرد، نقش کتاب‌های درسی تاریخ را به حد یک مانیفست ایدئولوژیک تنزل داده و جایگاه و رسالت آموزشی معلمان تاریخ را در میان کادر مدرسه و سایر همکاران و حتی خانواده‌های دانش‌آموزان با چالش مواجه می‌سازد، به‌طوری که تدریس تاریخ توسط افراد غیرمتخصص به امری معمول در مدارس تبدیل شده است. بر این اساس در این محور مقالاتی نظیر: نقش زنان، جایگاه مطبوعات، بازتاب تاریخ ایران باستان در کتاب‌های درسی تاریخ و به‌طور موردی تاریخ‌نگاری کتب درسی عباس اقبال آشتیانی و بالاخره بازنمایی کارنامه مصدق در کتب درسی قبل و بعد از انقلاب مورد بازکاوی قرار گرفته است. مقالات این محور نیز در جلد دوم این مجموعه، گردآوری شده است.

۴. محور عرصه‌های نوین تاریخ: این محور با عنایت به عرصه‌های نوین تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری به‌خصوص حوزه مطالعات میان رشته‌ای تاریخ شامل موضوعاتی نظیر: تاریخ محلی، تاریخ شفاهی، تاریخ اجتماعی، تاریخ خاندانی، تاریخ فرهنگی و ... بوده و البته پیوند و تعامل تاریخ با سایر رشته‌ها نظیر جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، ادبیات، جغرافیا، فلسفه و ... را در راستای علاقه‌مندی دانش‌آموزان به درس تاریخ و تسهیل یادگیری آن مورد توجه قرار می‌دهد. در برخی مقالات منتخب این محور، از ضرورت بهره‌گیری از تاریخ شفاهی و تاریخ محلی در آموزش تاریخ سخن به میان آمده است. مقالات برگزیده این محور نیز در جلد دوم این مجموعه به زیور طبع آراسته شده است.

ب) محور خاص:

این محور به عنوان محور ویژه استان برگزار کننده همایش، مورد توجه قرار می‌گیرد. این محور فرصتی برای پژوهشگران حوزه تاریخ و نظام آموزشی استان سیستان و بلوچستان فراهم کرد، که یافته‌های علمی خویش را در سطح گسترده‌تری - از نظر موضوعی - در معرض ارائه قرار بدهند. کما اینکه بازخوانی و سندپژوهی هزاران برگ

اسناد نظام نوین آموزشی استان، که در شعبه منطقه‌ای سازمان اسناد ملی در زاهدان جمع‌آوری و سازماندهی شده است، مورد نظر پژوهش‌های این فراخوان بوده است. خوشبختانه این محور مورد توجه پژوهشگران عرصه تاریخ تعلیم و تربیت استان قرار گرفت و چنانکه مقالات این مجموعه نشان می‌دهد در هفت مقاله منتخب مربوط به تاریخ فرهنگ و آموزش نوین در سیستان و بلوچستان، عرصه‌هایی نظیر جایگاه تاریخ، فرهنگ و زبان محلی مورد بررسی قرار گرفته و به‌طور خاص نقش نظامیان در تأسیس مدارس نوین و همچنین دارالتربیه‌های عشایری استان مورد بازکاوی قرار گرفته است. کما اینکه جایگاه معلمان بومی نیز در تدوین تاریخ محلی بلوچستان توجه یکی دیگر از پژوهشگران تاریخ محلی را جلب کرده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم تا از همکاری و مساعدت گران‌سنگ و بی‌شائبه رؤسا و مدیران محترم دانشگاه سیستان و بلوچستان، هیئت مدیره انجمن ایرانی تاریخ، اعضای کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ، اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه ولایت، دانشگاه زابل، دانشگاه پیام نور استان سیستان و بلوچستان، پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان و زحمات بی‌دریغ دوستان ارجمند در کمیته‌های علمی و اجرایی قدردانی به‌عمل آوریم.

دبیر علمی همایش: دکتر مسعود مرادی

دبیر اجرایی همایش: دکتر علی نادریان‌فر

متن سخنرانی آقای دکتر رسول خیراندیش در مراسم افتتاحیه همایش:

رویکرد تاریخی به شهر برای کتاب‌های درسی تاریخ

همچنان که اکنون من و شما چهره به چهره نشسته‌ایم، هر انسان اندیشمندی در سیمای فرهنگیان، که تربیت نسل آینده را برعهده دارند، می‌تواند فردا و حتی فرداهای جامعه خویش را ببیند. هر دانش آموخته‌ای در فردای جامعه، سی سال به درجاتی کار و اندیشه و تصمیم و تربیت را عهده‌دار خواهد شد و اگر در نقش پدر، مادر یا معلم کسانی را هم که او تربیت خواهد کرد در نظر آوریم باید سی سال دیگر را نیز بر آن اضافه نمود. این بدین معناست که یک جامعه و نظام تعلیم و تربیت آن باید برای برنامه آموزشی خود، افقی شصت ساله یعنی دو نسل را در نظر خود داشته باشد. حتی اگر هم نداشته باشد در عمل آنچه که امروز می‌کارد تا دو نسل ثمر خواهد داد چه بخواهیم چه نخواهیم.

اما وقتی فرهنگی نشسته در مقابل، معلم تاریخ باشد در سیمای او نه فقط شصت سال آینده، که در پشت آن شش هزار سال گذشته تاریخ بشر را هم می‌شود دید. شش هزار سالی که حاصل آن تمدن امروزی ما انسان‌هاست که جای در اندیشه‌هایمان دارد و شصت سالی که فردای ما ایرانیان خواهد بود جای در دست‌هایمان دارد. این امر تفاوتی بسیار میان معلم در درس تاریخ با دیگر درس‌ها ایجاد می‌کند. بر شانه معلم تاریخ باری از گذشته است، که از دانشی که بدان دارد می‌آید و پای بر خاکی دارد که اشک مادران، عرق پدران و یا خون جوانان بر آن ریخته است و میراثی از رنجی است که نسل‌های بسیار در عصرهای پی‌درپی برده‌اند. این گذشته‌نگری خاص معلم تاریخ در حالی است که باید مانند دیگر همکارانش در درس‌های دیگر، آینده‌نگر هم باشد. این کاری دشوار است؛ زیرا معلم تاریخ باید گذشته را بنگرد؛ اما گذشته‌گرا نباشد و در

همان حال آینده‌نگر هم باشد. پیش از این در نوشته‌ای یادآور شده‌ام، که مورخ برای آیندگان تاریخ می‌نویسد. تاریخ هرچند درباره گذشته است؛ اما برای آیندگان نوشته می‌شود.

تأکید بر ضرورت آگاهی از چنین صورت پیچیده‌ای میان گذشته و آینده در تاریخ‌نگاری، از این روست که بسیاری به دلیل کم‌اطلاعی از علم تاریخ براین باور هستند که تاریخ مربوط به گذشته و درباره گذشته است. از این رو درباره فایده و کارکرد تاریخ نیز نگاه به گذشته دارند. این در حالی است که اگر چه محتوای تاریخ درباره گذشتگان است؛ اما آن را برای آیندگان می‌نویسند.

این اندازه باز کردن فضا برای آینده از آن روست که در برنامه‌ریزی درسی برای تاریخ باید آینده‌نگری حرف اول را بزند. این نکته چنانکه در بالا گفته شد نه تنها به‌خاطر تأثیر تعلیم و تربیت بر نسل‌هایی است که فردای جامعه متعلق به اوست، بلکه لازم است مبتنی بر نیازسنجی نیز باشد. دانش‌آموزان و دانشجویان برای زندگی در آینده چه نیازهایی دارند؟ این پرسشی است که دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی باید همواره درصدد پاسخ‌گویی بدان باشند. این پرسشی است که همیشه تکرار خواهد شد و همواره نیز لازم است پاسخی جدید متناسب با زمان بدان داده شود. با توجه به پیشرفت‌های علمی و تکنیکی و نیز ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی، همچنین رشد جمعیت و پاسخ‌گویی به نیازهای آن و ... لازم است برنامه‌ریزی در مورد کل تا جزء برنامه آموزشی و درسی صورت گیرد، که متولیان امر بدان می‌پردازند و اسناد آن را فراهم می‌کنند.

براساس آنچه گفته شد حسب وظیفه شغلی ما، که تدریس تاریخ است، چه محتوایی از این علم لازم است به دانش‌آموزان و دانشجویان ارائه شود؟ این نکته‌ای است که لازم است صاحب‌نظران و دارندگان علم و تجربه بدان پاسخ دهند. بدون شک لازم است نظرات مختلف ارائه و شنیده شود و درباره آن بحث و بررسی و تبادل نظر

صورت گیرد. در این چارچوب به عنوان یک پیشنهاد و نظر اینجانب بر این باور هستم که رویکرد approach کتاب درسی تاریخ بهتر است ناظر به «تاریخ شهرنشینی» باشد.

لازم به یادآوری می‌دانم که این نظر درباره کلیت و تمامیت علم تاریخ نیست، بلکه چون کتاب درسی در حجمی و ساعاتی معین با ارزشیابی‌های مقرر فراهم می‌آید و در همان حال رشد سنی و ذهنی فراگیران و به‌طور کلی نکات مختلف آموزشی را مدنظر قرار می‌دهد، بالطبع همه آنچه را که در یک علم مطرح است نمی‌تواند عرضه کند. اما آنچه که از یک علم لازم است به فراگیران عرضه شود و از چه روش‌ها و تکنیک‌هایی استفاده شود در برنامه درسی ملی مشخص و در واقع برگزیده می‌شود. بر همین اساس تاریخ شهر و شهرنشینی را نه به عنوان تمامیت و کلیت علم تاریخ و نه تمامیت و کلیت برنامه درسی تاریخ پیشنهاد می‌کنم، بلکه به عنوان یک «رویکرد» از آن سخن می‌گویم. این بدان معناست که بخش اعظم آنچه که چارچوب علم و درس تاریخ مانند تاریخ سیاسی و سلسله‌ای و امثال آنهاست همچنان وجود خواهد داشت؛ اما با نگاه به تاریخ شهر و شهرنشینی و با ملاحظه همه ابعاد و جوانب آن.

دلیل بر این پیشنهاد این است که زندگی و تمدن امروز، شهرنشینی است و همه آنچه که مربوط به فرهنگ و تمدن کنونی است با شهر پیوند یافته است. اکنون بیشتر جمعیت جهان ساکن در شهرها هستند و تمایل به زندگی در شهر در حال افزایش است. شهرها نیز هر روز بیشتر بر جمعیت و وسعت آنها افزوده می‌شود. این همه، مزایا و مشکلات خاص خود را هم دارد و زندگی امروز با همین مزایا و مشکلات همراه شده است. چنین شرایطی در تاریخ گذشته بشر وجود نداشته و خاص این زمان است و تا جایی که افق آینده نشان می‌دهد مشکلات حال و آینده جوامع بشری بیشتر در ارتباط با شهر و شهرنشینی است که باید راه‌حل‌هایی برای آنها پیدا شود.

شهر، تاریخی چند هزارساله دارد؛ اما هیچ وقت تنها شکل اسکان برای زندگی بشر نبوده است و اکثریت جمعیت جهان در آن قرار نمی‌گرفتند. اکنون در ایران حدود

هشتاد درصد جمعیت، ساکن شهرها شده‌اند و این امر در تاریخ سابقه نداشته است. به همین نحو بخش بزرگی از اقتصاد کشورها و ثروت مردمان در شهر جای داده شده است. دسترسی به خدمات و امکانات و ارتباطات، که زندگی امروز متکی بدان است هم با شهر و شهرنشینی همراه شده است. حال اگر مشکلات محیط زیست، حمل و نقل، آلودگی هوا، تأمین مسکن، آموزش، بهداشت، دفع زباله، تأمین انرژی، دفع و تصفیه فاضلاب، حفظ امنیت، پر کردن اوقات فراغت، مدیریت شهر و... را هم در نظر بگیریم، می‌بینیم امروزه شهر پدیده‌ای است که همه ابعاد و جوانب زندگی ما را در خود گرفته است.

با چنین موقعیت و شرایطی که شهر در دنیای امروز یافته، لازم است شهروندان و به عبارتی دیگر شهروند شدن انسان‌ها، در برنامه آموزشی دیده شود. از جمله آنکه آموزش‌های لازم برای این سبک از زندگی داده شود. از جمله لوازم این امر آشنایی با تاریخ شهر و شهرنشینی است. مدیران شهرها و نیز شهرسازان هم لازم است در سطوح بالاتر و تخصصی با تاریخ و تجارب شهرنشینی و سرگذشت شهرهای مرده و زنده آشنا شوند. این همه وقتی ممکن می‌شود، که رویکرد برنامه درسی تاریخ «شهر و شهرنشینی» باشد. در مورد دیگر درس‌ها هم متخصصان آنها نظر بدهند.

تا پیش از روزگار کنونی، که دنیای در حال گسترش صنعتی است شکل اصلی زندگی، اقتصاد و اسکان روستانشینی بوده است. در ایران تا صد سال پیش، حدود هشتاد درصد جمعیت روستانشین و کشاورز بودند، این چند کلمه خود گویای تحولی است که رخ داده است. در زندگی شهری، مبادله نقشی بسیار مهم دارد، در حالی که در روستا این نقش اندک دیده می‌شود. این نکته را از این جهت مورد اشاره قرار دادم، که رویکرد دو قرن اخیر در تاریخ‌نگاری را نشان دهم. در تاریخ‌نگاری چند قرن اخیر رویکرد تاریخ‌نگاری «مبادله» بوده است. چنین عباراتی در کتاب‌های تاریخی و کتاب‌های درسی تاریخ را می‌شود دید:

آرامی‌ها و فینیقی‌ها مردمی تجارت پیشه

راه ابریشم از چین تا اروپا...

جاده ادویه از هند....

در افریقا مبادله نمک با طلا...

استعمارگران در جستجوی راه‌های تجاری...

در حالیکه در کتاب‌های تاریخی سده‌های میانه چنین رویکردی دیده نمی‌شود و ممکن است تحولات مالکیت زمین بیشتر مورد توجه بوده باشد. می‌توان گفت خواست‌ها و نیازهای تمدن بورژوازی غرب در چنین رویکردی به تاریخ در چند قرن اخیر مؤثر بوده است. در هر حال در هر دوره از تاریخ، جنبه خاصی از تاریخ مورد توجه قرار می‌گیرد و اکنون که پدیده غالب تمدن، همانا شهرنشینی است لازم است رویکرد کتاب درسی تاریخ به سمت تاریخ و تحولات شهر برده شود. نیز لازم است توجه داشت که بسیاری از بحران‌های دنیای امروز یا به دلیل شهرنشینی است و یا آنکه بیش از هر جا و هر چیز شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رویکرد به تاریخ شهر در کتاب درسی، آگاهی عمومی جامعه را برای مواجهه با این بحران یا حل مشکلات، بالا خواهد برد و زمینه لازم را برای انجام پژوهش در این باره فراهم خواهد کرد. همچنان که در بهره‌برداری و نگهداری بهتر و بیشتر از شهر توفیق حاصل خواهد شد.

آموزش در دوره گذار ناصری:

بررسی تأثیر مدارس میسیونری و حضور معلمان خارجی در شکل‌گیری مدارس جدید و نظام آموزشی نوین

مهدی شادکام^۱

چکیده

جنگ‌های ایران و روس و شکست‌های پی در پی ایران در عرصه نظامی، سبب شد تا عباس میرزا، نایب‌السلطنه، ایرانیانی را جهت آموختن فنون نظامی و علوم نوین به اروپا بفرستند. این اقدام سرآغازی شد برای پیمودن راهی پر فراز و نشیب، که می‌بایست راه را برای ورود علوم نوین به ایران هموار سازد. هر چند این سیاست در دوره محمدشاه نیز ادامه یافت؛ اما در این دوره، ورود و فعالیت هیئت‌های میسیونری، زمینه تأسیس مدارس نوین را فراهم کرد. میسیون‌های آمریکایی و سپس فرانسوی، پیشگام این مأموریت مذهبی - آموزشی بودند؛ اما عصر ناصری به دلیل بازگشت محصلان اعزامی پیشین و همچنین نقش تعیین‌کننده امیرکبیر به جهت تأسیس دارالفنون متفاوت است؛ در این مدرسه، به‌کارگیری معلمان خارجی، تدریس علوم نو و فنون جدید، تهیه و تدوین و ترجمه کتاب‌های درسی جدید، و هم‌زمان استفاده از

دانش‌آموختگان علوم جدید ایرانی، اقدامی کارآمد برای گسترش علم جدید در ایران بود. این تکاپوها سبب شد تا به تدریج در وضع آموزش سنتی دگردیسی پدید آمده و جامعه ایرانی از سنت آموزشی کهن، به نظام آموزشی نوین گذر کند.

این مقاله از نوع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی به تبیین سهم مدارس میسیونری و دارالفنون در شکل دهی ساختار و محتوای نظام آموزشی نوین پرداخته و میزان نقش معلمان خارجی، روشنفکران و منتقدان نظام آموزشی سنتی و بالاخره مؤسسان و متولیان مدارس نوین جهت تأسیس نظام آموزشی نوین را مورد بازکاوی قرار داده است. این نوشتار از تکاپوهای برخی رجال معارف‌پرور، ابداعات و نظرات و خدمات آنان، جهت تلفیق عناصر و میراث سنتی آموزش با علوم و فنون جدید در فرایند گذر به نظام آموزشی جدید حکایت می‌کند.

واژگان کلیدی: نظام آموزشی نوین، دارالفنون، مدارس جدید، مدارس میسیونری، مکتب‌خانه.

مقدمه

شکست ایران از روسیه در دو جنگ ایران و روس به جهت نبود امکانات کافی و از آن بالاتر نبود نیروی متخصص و نداشتن نظام جدید و پیشرفته، موجب شد عباس میرزا، نایب‌السلطنه و وزیر دانشمندش، قائم‌مقام اول به این مهم و فکر برسند که تا وقتی که چشم امید به نیروهای خارجی داشته باشند و تا زمانی که دولت‌های خارجی درگیر منافع خود و حفظ آن باشند، ایران هیچ پیشرفتی نخواهد کرد؛ پس تصمیم گرفتند کمر همت ببندند و با هر سختی که ممکن بود پیش آید، خود افرادی را برای تحصیل به اروپا بفرستند تا این محصلان ضمن آموختن علوم و فنون جدید، در بازگشت انتقال دهنده این علوم به سایر ایرانیان نیز باشند.

این سیاست اعزام دانشجو از زمان عباس میرزا تا تأسیس دارالفنون به عنوان نقطه

عزیمت و آغاز تحول نظام آموزشی ایران از شیوه سنتی به نوین و پس از آن به تبع تا آخر حکومت قاجار و ادوار بعد نیز ادامه یافت و به سنتی علمی تبدیل شد. البته نباید از نقش مهم مدارس میسیونری در شکل‌دهی تحول آموزشی دوره ناصری، که از زمان شاه ماضی، محمدشاه قاجار، شروع شده بود چشم‌پوشی کرد. سیاست رواداری عصر محمدشاهی به هیئت‌های میسیونری، که با حمله افغان‌ها و انقراض صفویه از ایران گریخته بودند و با ثبات نسبی قاجارها دوباره به ایران برگشته و ضمن فعالیت تبلیغی خود، به تأسیس مدارس نیز پرداختند، سبب شد ایرانیان، به‌خصوص اهالی مناطقی که میسیونرها در آنجا فعال‌تر بودند، با نحوه دیگری از شیوه آموزش آشنا شوند.

محصلان ایرانی از فرنگ برگشته نیز در اروپا با شیوه دیگری غیر از شیوه مکتب‌خانه‌ای رایج در ایران تعلیم دیده بودند، حامل روش جدیدی در آموزش بودند که با سنت آموزشی ایرانیان متفاوت و گاه در تضاد بود؛ از این رو باید بستری فراهم می‌شد که آنان بتوانند این آموخته‌های خود از علوم و فنون جدید اروپایی را به ایرانیان منتقل کنند، دارالفنون این بستر را به وجود آورد، مدرسه‌ای جدید که سنخیتی با سنت آموزشی مکتب‌خانه‌ای لااقل از نظر تعالیم و شیوه تدریس و علوم و فنون تعلیمی نداشت.

مدرسه‌ای که زاییده ذهن مترقی و تجربیات و مشاهدات امیرکبیر در دوران حضورش در عثمانی و سفرهای روسیه بود. مدرسه‌ای که به توصیه و خواست امیر، معلمانی از خارج استخدام کرده بود تا علوم و فنون نوین اروپایی را به ایرانیان آموزش دهند. این معلمان خارجی در کنار محصلان اعزامی ایران به اروپا و مدارس میسیونری، مثلی را شکل دادند که ذیل توجهات ملوکانه ناصری طرحی نو در انداختند و نظام آموزشی را متحول کردند. البته که نباید از حضور و فعالیت روشنفکران و منتقدان نظام سنتی چشم‌پوشی کرد. در این مقاله سعی داریم به بررسی این روند و خط سیر

اعزام دانشجو؛ گام اول ایجاد تحول

با حاکمیت سلسله قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق/ ۱۹۲۵-۱۷۸۹)، که مقارن با ترقی شگرف اروپاییان بود، در ایران نیز آشنایی با علوم جدید به شکلی جدی آغاز شد. مهم‌ترین قدم در راه آشنا شدن ایرانیان با تمدن جدید و علوم نوین اروپایی در دوره قاجاریه برداشته شد؛ در این دوره بود که ایران بدون واسطه با سیاست اروپایی روبه‌رو شد. (محبوبی، ۱۳۷۰: ۴۹) مضاف بر آنکه رقابت میان دولت‌های اروپایی در اقصی نقاط جهان و موقعیت ایران در عرصه رقابت دولت‌های مذکور، شرایط را برای آشنایی ایرانیان با عناصر تمدن غرب فراهم ساخت و راه‌هایی را به سوی علوم جدید در دانش، پیش چشم آنان گشود، از اواسط سلطنت فتحعلیشاه به بعد بود، که آشنایی ایرانیان با تمدن و علوم و فنون دولت‌های اروپایی بر اثر آمد و شدهای سفیران، بازرگانان و مستشاران رو به گسترش نهاد. ایجاد روابط دیپلماتیک بین ایران با دولت‌های اروپایی در عصر فتحعلیشاه و مناسباتی که برای تجهیز سپاه ایران بین نمایندگان اروپاییان با عباس میرزا برقرار شد، منجر به بستن قراردادهایی شد که ذیل آنها، اعزام «معلم» و مستشار برای آموزش فنون و علوم لازم به سپاه ایران نیز لحاظ شد. کما اینکه عمده‌ترین راه انتقال علوم و فناوری نوین به ایران در این برهه زمانی، بعد از استخدام مشاوران و کارشناسان اروپایی، اعزام محصل، صنعتگر و هنرآموز به خارج بود که با درایت عباس میرزا آغاز شد.

اعزام محصل در عصر فتحعلیشاه و نایب‌السلطنه عباس میرزا

هم‌زمان با حکومت فتحعلیشاه، دولت فرانسه ناتوان از رویارویی با انگلستان در صدد برآمد تا از طریق هند ضربه‌ای به دولت انگلیس وارد سازد و از خاک ایران برای حمله به هندوستان استفاده کند و چون ایران را عاملی تأثیرگذار در موفقیت خود می‌دید، سعی نمود با فتحعلیشاه قاجار علیه انگلیس و روسیه متحد شود.

(لنروسکی، ۱۳۵۶: ۱۹-۲۰) از سوی دیگر، روسیه نیز سیاست توسعه‌طلبی و فزون‌خواهی خود در منطقه قفقاز و کناره‌های دریای مازندران، که پیشینه‌ای از زمان کاترین دوم، ملکه روسیه و آقامحمد خان قاجار داشت، را در دستور کار خود قرار داده بود و در اوایل حکومت فتحعلیشاه، زمینه حملات تجاوزکارانه خود به خاک ایران را فراهم کرد. سال بعد از ورود عباس میرزا به آذربایجان، روس‌ها گرجستان را به خاک خود ملحق کردند و در ۱۲۱۸ق، تمام ماورای قفقاز تا حدود ارس را گرفتند، چون این مناطق همیشه ضمیمه خاک ایران بود؛ فتحعلیشاه، عباس میرزا را به پس‌گیری این مناطق مأمور ساخت. (محبوبی، ۱۳۷۰: ۵۶-۵۷) که منجر به دو دوره جنگ شد، که طولانی‌ترین مواجهه فی‌مابین ایران و روسیه در سال‌های ۱۲۱۸-۱۲۲۸ق و ۱۲۴۱-۱۲۴۳ق، بود. این جنگ‌ها در نهایت منجر به شکست ایران و عقد دو عهدنامه گلستان ۱۲۲۸ق و ترکمانچای در ۱۲۴۳ق شد، که لطمات زیادی از نظر تمامیت ارضی به ایران وارد کرد. پس از این شکست، عباس میرزا، نایب‌السلطنه، با همراهی میرزای بزرگ، میرزا عیسی فراهانی، قائم‌مقام اول و سرخورده از این شکست‌ها، به دنبال راهی برای برون‌رفت از این ضعف، سعی در ارتباط با جهان بیرون و مواجهه با عناصر دنیای نو، از جمله علوم جدید را آغاز کردند و به نوعی این تلاش‌ها، نخستین گام‌های عمده انتقال علوم جدید به ایران گردید.

آغاز جنگ‌های ایران و روس و ناتوانی ایران در برابر آن کشور و بی‌اعتنایی دولت انگلستان نسبت به تقاضای کمک نظامی ایران، موجب گردید که فتحعلیشاه از خیر کمک آنها بگذرد و توجه دولت ایران به فرانسه، که در این زمان مصر را فتح کرده بود (گاردان، ۱۳۶۲: ۷) معطوف شود. ناپلئون برای کسب اطلاعات بیشتر از ایران «آمده ژوبر»، شرق‌شناس، را راهی ایران کرد و فتحعلیشاه نیز میرزا محمد رضا قزوینی را به عنوان سفیر به دربار ناپلئون فرستاد و عهدنامه «فین کنشتاین» در ۱۲۲۲ق/ ۱۸۰۷ میان ایران و فرانسه منعقد گردید. ناپلئون برای پیگیری اجرای مفاد این قرارداد، ژنرال گاردن

را به ایران فرستاد. (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۲۰-۱۲۲)

فتحعلیشاه در ۱۲۲۳ق/ ۱۸۰۸ به ژنرال گاردن پیشنهاد کرد، که یکی از شاهزادگان دربار برای اقامت در دربار ناپلئون اعزام شود. گاردن از این فرصت برای گسترش نفوذ فرانسه در ایران استفاده کرد و متقابلاً به شاه پیشنهاد داد که چند تن از اشراف‌زادگان ایرانی برای تحصیل، به فرانسه اعزام شوند. (رینگر، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰) عباس میرزا از این فرصت استقبال کرد و با ژنرال گاردن، که از جانب ناپلئون اختیار تام در ایران داشت، به توافق رسید؛ که به عنوان بخشی از کمک فرانسه به ایران هر سال تعدادی از ایرانیان برای تحصیل به پاریس اعزام شوند. (محبوبی، ۱۳۷۰: ۱۲۲) حضور هیئت گاردن زیاد به داراز نکشید و با انعقاد پشت پرده قرارداد «تیلست» میان فرانسه و روسیه در ۱۲۲۲ق/ ۱۸۰۷ و سازش ناپلئون با روسیه، هیئت مذکور بدون هیچ دستاورد شگرفی برای ایران پس از قریب یک سال، ایران را ترک کرد.

این خروج فرانسویان بیش از هر کس به نفع انگلیسی‌ها تمام شد و از همین رو در صدد تجدید روابط با ایران برآمدند. ایران نیز برای مقابله با قدرت روس‌ها از این تجدید روابط استقبال کرد. در همین راستا «سرهاورد فورد جونز» نماینده دولت انگلستان در ۱۲۲۴ق/ ۱۸۰۷ به ایران وارد شد و عهدنامه «مجمل» بین طرفین بسته شد و از جمله مواردی که انگلیس متعهد شد، علاوه بر در اختیار گذاشتن توپ و تفنگ، ارسال «معلم» نیز بوده است. برای پیگیری این قرارداد «سرجان ملکم» به ایران آمد.

دو سال پس از امضای پیمان دوستی ایران و انگلیس در ۱۸۰۹، شرط مشابهی برای تحصیل ایرانیان در اروپا بین عباس میرزا و سرهاورد جونز مورد توافق قرار گرفت و بر خلاف توافق قبلی با فرانسه، این بار عباس میرزا در مورد اعزام دانشجویان به خارج پیش قدم شد، انگلیسی‌ها که مایل بودند با این درخواست همراهی کنند، داوطلب شدند که هزینه سفر این دانشجویان را نیز به طور ماهیانه بپردازند. (محبوبی، ۱۳۷۰: ۱۲۴-۱۲۵) از این رو عباس میرزا طی دو مرحله در سال‌های ۱۲۲۶ق/ ۱۸۱۱

و ۱۲۳۰ق/۱۸۱۵ در مجموع هفت نفر را به اروپا فرستاد. در مرحله اول، زمان خروج سر هارد جونز از ایران پس از ملاقات با عباس میرزا در تبریز، وی متقبل شد که دو نفر از جوانان ایران را با خود به انگلیس ببرد تا به تحصیل علم و هنر جدید بپردازند. عباس میرزا دو نفر از اطرافیان خود به نام‌های محمدکاظم، فرزند نقاش‌باشی خود را جهت تعلیم نقاشی و حاجی بابا افشار، فرزند یکی از صاحب‌منصبان را به جهت تعلیم طب و شیمی به انگلیس برگزید. با این حال، به سر هارد جونز گفته بود که لازم نیست تحصیلات آنها منحصر و محدود به این دو رشته باشد. نایب‌السلطنه بر این قصد بود که محمدکاظم پس از بازگشت، بتواند چهره‌های سلطنتی و صحنه‌های نبرد و استحکامات نظامی را به سبک نقاشان اروپایی به تصویر بکشد؛ (رینگر، ۱۳۸۱: ۴۱) اما او با شوربختی پس از ۱۸ ماه اقامت در لندن بر اثر سل درگذشت.

حاجی بابا اما با تلاش و سعی بسیار موفق شد مقدمات و ملزومات لازم را بیاموزد و برای تکمیل علم خود به «آکسفورد» برود. او زمانی که گروه دوم محصلان ایرانی از طرف عباس میرزا در ۱۲۳۰ق/۱۸۱۵ وارد لندن شدند، به آنها کمک کرد و سمت راهنما و مشاور و مترجم آنان را برعهده گرفت.

گروه دوم محصلان ایرانی پس از گذشت چهار سال از اعزام نخستین گروه، متشکل از پنج نفر از جوانان ایرانی بود که برای تحصیل در رشته‌های مختلف از راه روسیه عازم انگستان شدند و عبارت بودند از ۱. میرزا صالح شیرازی، برای تحصیل زبان و حکمت طبیعی و تاریخ؛ ۲. میرزا سید جعفر، برای تحصیل مهندسی؛ ۳. میرزا محمدجعفر، برای آموختن طب و شیمی؛ ۴. میرزا رضا، برای مهندسی توپخانه؛ ۵. استاد محمدعلی چخماق‌ساز برای یادگیری آهنگری و قفل و کلیدسازی.

این محصلان از بخت بدشان به همراه «کلنل دارسی»، که در میان ایرانیان به قولونل‌خان مشهور بود، روانه انگلیس شدند. کلنل دارسی حداقل سه نفر این گروه از جمله میرزا صالح، میرزا رضا، که سلطان توپخانه بود و استاد محمدعلی چخماق‌ساز،

که شاگرد جبهه‌خانه تبریز بود را به جهت حضورش در تویخانه تبریز شخصاً می‌شناخت. میرزا صالح نیز منشی او بود. قولونل خان در بازگشت به انگلیس چون از علاقه عباس میرزا به جریان علم و هنرآموزی مطلع بود به دروغ خود را چنان نمایاند که فرد با نفوذ و موجهی در انگلستان است و از عباس میرزا خواست گروهی از ایرانیان را برای تحصیل علم و هنر همراه او روانه انگلیس کند حتی تعهد کرد که هزینه آنان در انگلیس را از دولت مطبوعش تأمین کند و با اصرار، نایب‌السلطنه را راضی کرد؛ اما دروغ وی این گروه محصلان را در سفر و در مقصد، به مشکلات عدیده‌ای دچار کرد، که بخشی از آن در سفرنامه میرزا صالح شیرازی منعکس است.

این گروه دوم نیز به تحصیلات خود در انگلیس ادامه دادند و همگی به استثنای میرزا محمدجعفر طبیب که هنوز تحصیلاتش به اتمام نرسیده بود در شوال ۱۲۳۴، زمانی که میرزا ابوالحسن خان شیرازی به سفارت لندن رفت، به همراه حاجی بابای افشار که در لندن نقش راهنمای گروه جدید محصلان را به عهده داشت به ایران بازگشتند. آنها پس از ورود به تبریز، به خدمت ولیعهد رفتند و هر یک از ایشان در دستگاه عباس میرزا به خدمتی مشغول شدند: میرزا صالح به عنوان مهندس و مترجم، میرزا سیدجعفر به عنوان مهندس باشی، میرزا رضا و استاد محمدعلی هم در کارخانه‌ها به نظام و تعلیم فنونی که آموخته بودند، مأمور شدند. (رینگر، ۱۳۸۱: ۴۲-۴۵) نایب‌السلطنه نیز مقرر نمود که چند نفر از اطفال بزرگان درگاه به طریق تعلیم و تعلم و تلمذ نزد ایشان شتابند به آموختن، لغات و کسب صناعات بپردازند. (مفتون دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۴۲)

اعزام دانشجو در عصر عباس میرزا با بازگشت این دانشجویان پایان نیافت و او در دوران حیات خود، چهار دانشجوی دیگر را نیز به کشورهای دیگر اروپا فرستاد. نایب‌السلطنه در همان سال بازگشت محصلان از اروپا ۱۸۱۹-۱۸۲۰، حاجی عباس شیرازی نامی، که نقاش بود را به جهت یادگیری فن گل‌سازی با کاغذ و پارچه به پاریس فرستاد؛ هرچند او توفیقی در یادگیری این فن نیافت. عباس میرزا شخص

دیگری را به اسم جعفرقلی بیک افشار را که برادر حاجی بابا افشار بود به روسیه فرستاد تا در معدن‌شناسی تحصیل کند و مهارت کسب کند او در بازگشت در یک کارگاه مهمات‌سازی مشغول کار شد. نفر بعد در ۱۲۳۷ق/۲۳-۱۸۲۲ میرزا جعفر تبریزی است، که برای آموختن صنعت چاپ به روسیه فرستاده شد. او در بازگشت از روسیه، دستگاه چاپی را با خود به تبریز آورد. آخرین نفر بهرام‌خان نامی است، که جد او میرزا الله‌قلی قره‌باغی، از اطباء معروف زمان خود بود، که پس از بازگشت از اروپا در تبریز به طبابت پرداخت. از زمان اعزام و محل تحصیل او اطلاعاتی در دسترس نیست!

اعزام محصل در عصر محمدشاهی

پس از درگذشت ناپهنگام عباس میرزا در ۱۲۴۹ق/۱۸۳۳، بخش عمده‌ای از اصلاحات او متوقف شد. با این حال محمدشاه (س ۱۲۵۰-۱۲۶۴ق/ ۱۸۳۴-۱۸۴۸) به تلاش‌های پدرش، عباس میرزا برای اقتباس پیشرفت‌های نظامی و فناوری اروپایی ادامه داد. او نیز به اهمیت اعزام محصل به خارج برای تحصیل و دستیابی به پیشرفت آگاه بود؛ از این رو، ظاهراً در اولین سال سلطنت محمدشاه، زمانی که حسین خان نظام‌الدوله آجودان باشی از طرف دولت ایران به قصد انجام یک مأموریت سیاسی برای حل اختلافات با دولت‌های انگلیس و فرانسه و نیز استخدام معلم از فرانسه برای سر و سامان دادن به قشون ایران، رفته بود در هیئت همراهش دو نفر محصل حضور داشتند. (هاشمیان، ۱۳۷۹: ۴۷) علاوه بر این دو نفر محصل، محمدحسن خان، برادرزاده آجودان‌باشی و میرزا عبدالرحیم بیک یاور، برادرزاده میرزا فتاح‌خان و عزیزخان مشهور به میرزا عزیز، برادرزاده دیگر میرزا فتاح که هر سه از اعضای این هیئت سیاسی بودند در فرانسه به فراگیری علوم نظامی مشغول شدند. با این حال از مدت اقامت آنها و مدت و چگونگی تحصیل آنان در این کشور اطلاعاتی در دسترس نیست.

در ۱۲۵۵ق/۱۸۳۹، اعزام یک گروه چهل - پنجاه نفری به مصر، در دستور کار و